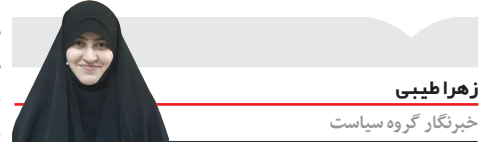


۶ ماه قبل از انتخابات مجلس دوازدهم نشان می‌دهد ترکیب «روحانی- لاریجانی» در مقابل بخشی از اصولگرایان با «قالیباف» و بخشی دیگر با ترکیب «جلیلی- پایداری» آرایش نیروهای سیاسی را شکل می‌دهند

انتخابات سه‌ضلعی



زهرا طبیبی

خبرنگار گروه سیاست

ماراتن انتخابات مجلس که سوت آغاز آن با اضافه شدن مرحله پیش‌ثبت‌نام زده شده، روزبه‌روز به لحظات پرهیجان خود نزدیک‌تر می‌شود و چهره‌های اصلی نیز استارت خود را می‌زنند و هنرنمایی سیاسی خود را به رخ ناظران

می‌کشاند تا بلکه بتوانند در نهایت با به‌دست آوردن جایگاهی در بهارستان نقشی در عرصه سیاست‌گذاری ایفا کنند. در ادامه ضمن مرور اظهارنظرهای برخی از مهم‌ترین چهره‌های سیاسی تقسیم‌بندی از اصلی‌ترین جریان‌هایی

ارائه شده است که با توجه به فضای عمومی کشور در انتخابات پیش‌رو به رقابت می‌پردازند. تقسیم‌بندی‌ای که نوع مواجهه شورای نگهبان با مساله تایید صلاحیت‌ها به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده می‌تواند آن را تحت‌تأثیر

قرار دهد و دستخوش تغییراتی کند. در این تقسیم‌بندی البته جریان‌های کوچک‌تر و جریان‌هایی مقطعی که بعضا در عرصه سیاسی ظهور پیدا کرده‌اند و به‌سرعت نیز پایان می‌یابند، لحاظ نشده است.



حضور مستقل پایداری‌ها در انتخابات مجلس دوازدهم

در دوران برگزاری انتخابات مجلس یازدهم بود که شورای ائتلاف نیروهای انقلاب (شانا) به ریاست حدادعادل با هدف تهیه لیست واحد اصولگرایان در انتخابات اعلام موجودیت کرد اما اعلام و منتشر کردن لیست واحد از جانب این شورا با اختلافات و چالش‌هایی همراه شد. اعضای جبهه پایداری با محوریت اشخاصی مثل مرتضی آقانهانی و صادق محصولی، برای ارائه لیست مشترک با شورای ائتلاف نظرات متفاوتی داشتند و پیشنهاد آنها این بود که نام ۲۴ نفر از اعضای آنها که اتفاقاً نام‌شان در لیست ۹۰ نفره منتشر شده و در لیست شانا نیز آمده، باید در لیست نهایی حضور داشته باشد. موضوعی که باعث شد حدادعادل رئیس شانا در نامه انتقادی به پایداری، این‌طور بنویسد: «در آخرین جلسه‌ای که نمایندگان شورای ائتلاف با جنابعالی و آقای محصولی و دو نفر دیگر از جبهه پایداری داشتند، از سوی جبهه پایداری پیشنهاد شد که برای رسیدن به فداکثر اشتراک در دو لیست تهران، لیست ۶۰ نفره تهیه‌شده توسط پایداری مبنا قرار گیرد و ۲۴ نفر مشترک این لیست با لیست ۹۰ نفره شورای ائتلاف یک‌جا در هر دو لیست نهایی ۳۰ نفره قرار گیرند. پایداری این پیشنهاد را تأمین‌کننده وحدت حداکثری می‌دانست، اما در همان جلسه توضیح داده شد شما در فهرست ۶۰ نفره خود بنا داشته‌اید که هیچ فردی از بعضی از احزاب و تشکل‌های حاضر در شورای ائتلاف را در آن فهرست قرار ندهید و قبول پیشنهاد شما عملاً به معنی نفی فلسفه وجودی ائتلاف و فروپاشی آن است و به معنی آن است که شورای ائتلاف اختیار تعیین ۲۴ نفر از لیست ۳۰ نفره انتخابات تهران را فقط به پایداری که در شورای ائتلاف شرکت ندارد، تفویض کرده باشد و تنها در حد ۶ نفر امکان تصمیم‌گیری مستقل داشته باشد.» یکی دیگر از شروطی که پایداری‌ها برای ارائه لیست مشترک با شورای ائتلاف گذاشته بودند، این بود که نام قالیباف از لیست نهایی حذف شود که آن هم با مخالفت شورا همراه شد. در نتیجه این اختلافات، پایداری‌ها لیستی جدا منتشر کردند. این تفاوت‌نظرهای پایداری‌ها در دوره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری نیز خود را نشان داده است. پایداری‌ها معتقد بودند باید روی گزینه اصلح اجماع کرد. بر همین مبنا گزینه اصلح خود در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ را سعید جلیلی معرفی کردند و حاضر به اجماع روی کاندیدای دیگری نشدند. در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ نیز جبهه پایداری در دوگانه کاندیدای اصلح یا مقبول بالاخره از ابراهیم رئیسی حمایت کرد و سعید جلیلی نیز از کاندیداتوری انتخابات انصراف داد. حالا اما با نزدیک شدن به روزهای برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم نیز بار دیگر جبهه پایداری در حال تکرار دوباره لزوم حمایت از گزینه اصلح است. صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری در تازه‌ترین سخنان خود گفته است: «ما در انتخابات مجلس باید کسی را انتخاب کنیم که اصلح باشد. کسی که مجلس را خانه امید ایرانیان ببیند، عدالت‌خواه و عدالت‌گستر، فسادگریز و فسادستیز باشد. نگاه و امیدش به دست جوانان و دانشمندان و نجبان و توانایی‌های ایران و ایرانی باشد، نه به دست بیگانگان و اربابان چپانی. خودش را دیده‌کار مردم‌بداند نه طلبکار.» سعید جلیلی نیز در سخنرانی اخیر خود بار دیگر بر انتخاب فرد اصلح تأکید کرد و گفت: «مجلس وقتی نقش خود را می‌تواند ایفا کند که افراد اصلح وارد آن شوند. یعنی اگر ۱۰ نفر در عرصه‌ای وارد می‌شوند، انصافاً آن کسی انتخاب شود که نسبت به دیگران اصلح است.» وجه دیگر اظهارات اخیر چهره‌های منصوب به جبهه پایداری اما انتقادات و کنایه‌هایی است که بیشتر به قالیباف و طیف او وارد می‌شود. محصولی در سخنان اخیر خود گفته است: «این مجلس کارهای خیلی خوبی انجام داده است ولی این دلیل نمی‌شود که ضعف‌ها را در برخی موارد نبینیم و چون اغلب اصولگرا هستند، متذکر کاستی‌ها نشویم... مردم از انقلابی‌ها ناراحت نیستند، از انقلابی‌ها نمانند ناراحتند. از آنهایی که ادعای انقلابی می‌کنند و مسئولیتی می‌گیرند. فرقی نمی‌کند پست وزارت باشد یا معاونت، نمایندگی مجلس، استانداری یا هر پست دیگری در این مملکت و به جای خدمت، خیانت کرده و دنبال پست و مقام و مسائل مادی دیگر هستند، مردم از اینها ناراحتند.» جلیلی نیز البته در صحبت‌های خود نکاتی را مطرح کرد و گفت: «برخی به جای یک رقابت مثبت سازنده رو به جلو برای سرعت دادن به پیشرفت و موفقیت، تلاش در جهت تخریب این موفقیت‌ها دارند... رقابت سالم نیز وقتی شکل می‌گیرد که از سطح مباحث زرد برویم به سمت نیازهای واقعی جامعه... اینکه می‌گوییم میدان را باید شناخت، یکی از جنبه‌های همین است. اگر شما فعال باشید اما در یک مسیر و میدانی فعال باشید که او تعریف می‌کند، یعنی صبح تا شب در گوشه‌ای بنشینیم بگوییم این و آن چه گفتند، آن وقت می‌بینید فضای کشور می‌رود به سمت مسائل به‌اصطلاح زرد.» اختلافات و کنایه‌های بیشتر چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری در چند ماه نزدیک به انتخابات مجلس این گزاره را تقویت می‌کند که احتمالاً جبهه پایداری بنا ندارد تا لیستی جدا برای نقش‌آفرینی در انتخابات مجلس منتشر کند. اگرچه جبهه پایداری در انتخابات مجلس یازدهم در نهایت حاضر به ائتلاف با قالیباف و حدادعادل شد اما به نظر می‌رسد امید به مورد حمایت قرار گرفتن از جانب طرفداران دولت این اعتماد به نفس را برای این حزب به وجود آورده که در انتخابات پیش‌رو به صورت مستقل ایفای نقش کند. احتمال فعالیت مستقل پایداری در انتخابات با کنش‌های اخیر چهره‌های

نزدیک به این طیف پر رنگ‌تر می‌شود. حمید رسایی که با یک حزب جدیدالتاسیس قصد حضور در انتخابات را دارد حملات رسانه‌ای و انتقادات خود به قالیباف را با شدت آغاز کرده و پس از تأکید رهبر انقلاب بر انقلابی بودن مجلس در توییتی کنایه‌آمیز خطاب به نزدیکان قالیباف باب انتقاد تند به مجلس را باز نگه داشته است. انتقاداتی که اعتراض به استعفای معاون سیاسی وزیر کشور و تلاش برای عزل رئیس اتاق بازرگانی محوری‌ترین بخش‌های آن محسوب می‌شود.



قالیبافی‌ها بر تکرار مجلس یازدهم تأکید دارند

ماجرای اختلافات جبهه پایداری با قالیباف و طیف نزدیک به او در انتخابات مجلس یازدهم زمانی خود را بیشتر نشان داد که مرتضی آقانهانی، رهبر معنوی جبهه پایداری شرط گذاشت در صورتی با شانا لیست واحد منتشر خواهند کرد که نام قالیباف از لیست حذف شود نهایتاً اما جبهه پایداری با پذیرفتن هفت سهمیه از لیست ائتلافی شروط خود را کنار گذاشت. این اختلافات اگرچه با پایان انتخابات مجلس یازدهم فروکش کرد اما به پایان نرسید. اختلافات در جریان مصوبات و تصمیمات اخیر مجلس و هم‌زمان با نزدیک شدن به انتخابات مجلس دوازدهم خود را بیشتر نشان داد. ماجرای بخشنامه معاون سیاسی وزارت کشور و درخواست مجلس برای برکناری غلامرضا و اعلام وصول استیضاح وزیر کشور از جمله مواردی بود که پایداری‌ها و نزدیکان قالیباف بر سر آن با یکدیگر به جدال پرداختند. مجتبی توانگر از افراد نزدیک به قالیباف درباره این بخشنامه گفته بود: «این اتفاق فراتر از یک بخشنامه اداری و حلقه‌ای از یک زنجیره سازمان‌یافته علیه مجلس و دخالت دولت در انتخابات است... در نقطه مقابل اما نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری نظر متفاوتی داشتند. برای مثال حسین جلالی معتقد بود: «موضوعی که برخی نمایندگان مطرح کردند باج‌خواهی و زیاده‌خواهی محسوب می‌شود...» ادامه اختلافات و اظهارات میان نمایندگان و برخی از افراد در دولت حتی بعد از برکناری معاون سیاسی وزارت کشور نیز ادامه پیدا کرد تا آنجا که حدادعادل، رئیس شورای ائتلاف اصولگرایان هم به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: «نباید بگذاریم که جریان تحریف تحت پوشش و ادبیات انقلابی، ذهنیت‌سازی نادرستی از جبهه انقلاب در اذهان عمومی مردم ایجاد کند و انقلابی‌ها را در مسائل سیاسی فاقد عقلانیت و اخلاق معرفی کنند و با ذبح مسائل کلان و ملی به پای منافع شخصی و حزبی، رفتارهای سبهم‌خواهانه از خود نشان دهند.» از صحبت‌های او می‌توان این برداشت را داشت که حدادعادل به‌نحوی پاسخی به جریان رقیب اصولگرا داده است. لایحه حجاب دیگر موضوع به‌روزی است که به محل دعوای نمایندگان عضو جبهه پایداری و نمایندگان نزدیک قالیباف در مجلس تبدیل شد. مجتبی توانگر در پاسخ به مرتضی آقانهانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس که قالیباف را متهم به توقف لایحه حجاب می‌کرد، گفت: «اگر امکان استیضاح نماینده مجلس بود اینجانب حتماً آقای آقانهانی را به‌عنوان یکی از مقرران وضع موجود استیضاح می‌کردم تا افراد نتوانند با عوض کردن زمین بازی و انگشت اتهام گرفتن روی دیگران فرار رو به جلو کنند و خود را از مهلکه پاسخگویی برهانند. گروه پایداری که در مجلس گذشته اکثریت کمیسیون فرهنگی مجلس را در اختیار داشته است امروز باید به نیروهای متدین و انقلابی، پاسخگو باشد و نه طلبکار.» در ادامه این اختلافات و دعواها میان دو طیف پایداری و قالیباف مهدی محمدی، مشاور رئیس مجلسی در یادداشتی علت این حمله و اختلافات را نزدیک شدن به انتخابات دانست و نوشت: «صحنه به جای پیچیده‌تر شدن در حال حرکت به سمت سادگی است! انتخابات مجلس گرچه فقط یک مقدمه برای نزاعی بزرگ‌تر است؛ اما در حال شفاف‌کردن مرزها و فاش کردن پس‌پا‌هاست... بازیگران جلوی صحنه اغلب بخش فرعی داستانند. بخشی مأمورند، برخی دیگر نقش بازی می‌کنند، عده‌ای را خریده‌اند و عده‌ای دیگر هم به دنبال مشتری برای فروش خود می‌گردند. برخی هم البته صادقند!»

سعید احدیان مشاور رسانه‌ای قالیباف نیز با تکرار کلید واژه سوپرانقلابی‌ها که نخستین بار توسط قالیباف به کار گرفته شد پیکان حملات انتقادی‌اش را به سمت رقیب سیاسی نشانان گرفت و گفت: «سوپرانقلابی‌ها اصولاً میانی اصلی انقلاب را درک نکرده‌اند و همین ناآگاهی باعث می‌شود گاه جلودار ولایت حرکت کنند. تمام مصادیق نشان می‌دهد سوپرانقلابی‌ها آگاهانه یا بدون آگاهی لبه‌دوم قیچی برای لبرال‌هایی بوده‌اند که قصد ضربه به انقلاب را داشته‌اند.» در چند وقت اخیر اگرچه کنایه‌ها و طعنه‌های افراد نزدیک به جبهه پایداری علیه طیف قالیباف شدت پیدا کرده و در نقطه مقابل نیز افراد نزدیک به رئیس مجلس پاسخ این اظهارات را دادند اما به نظر می‌رسد طیف قالیباف بر تکرار ساختار فعلی مجلس یازدهم که با صفت انقلابی مورد تمجید رهبر انقلاب قرار گرفته، تأکید دارند و قصد دارند با سازوکارهای



ائتلاف شرکای دولت روحانی

علی لاریجانی که بعد از انتخابات ۱۴۰۰ وجهه منتقد نسبت به شورای نگهبان به خود گرفته است همواره سعی کرده با این ادعا که قصدی برای حضور در انتخابات مجلس ندارد، قهر خود را نشان دهد اما واکنش‌های سیاسی پرتعداد او در چند وقت اخیر خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. ضمن اینکه محتوای این واکنش‌ها نیز اشارات سیاسی ظریفی دارد که قابل بررسی است. او اخیراً در جمع گروهی از جوانان در پاسخ به این سوال که چرا در انتخابات ثبت‌نام نکرده، می‌گوید: «امور عدمی که دلیل نمی‌خواهد. البته ثبت‌نام نکردن بنده در انتخابات مجلس دوازدهم دلایلی دارد که به‌موقع آن را می‌گویم.» فارغ از بررسی این موضوع که آیا اساساً ثبت‌نام نکردن رئیس ۳ دوره مجلس در انتخابات مجلس، به قول لاریجانی امری عدمی محسوب می‌شود یا خیر، پاسخ وی نیز قابل توجه است. لاریجانی با بیان اینکه دلایلش را بعداً خواهد گفت اولاً ادعای عدمی بودن ثبت‌نام نکردنش را رد می‌کند و ثانیاً سیاسی بودن موضع‌گیری خود را آشکار می‌کند زیرا تنها یک علت سیاسی می‌تواند موقوف کردن پاسخگویی به آینده را توجیه کند. لاریجانی در بخش دیگر از اظهارات خود در این جلسه مطالبه‌ای نیز در باب آزادی‌های سیاسی مطرح می‌کند و می‌گوید: «در اروپای قرن ۱۷ مردم گریزان از دین شدند. این بود که مردم احساس می‌کردند باید به سرنوشت خود مسلط شوند و آزادی‌های سیاسی داشته باشند. این نیاز زمانه بود. در مقابل کلیسا جلوی این خواسته مردم ایستادگی کرد و گفت این آزادی‌ها را نباید به مردم داد، نیاز زمانه را درک نکرد. در نتیجه مردم نیز خود را مقابل دستگاه دینی مشاهده کردند.» این مطالبه پس از اعتراض او به رد صلاحیتش در انتخابات ریاست‌جمهوری عملاً به برندی برای لاریجانی تبدیل شده و به نظر می‌رسد او نیز قصد ندارد فرصت بهره‌برداری سیاسی مشترک با اعتدالیون از این برند را از دست بدهد. پیش از این محمود واعظی، سر دفتر حسن روحانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اعلام کرده بود که امکان ائتلاف بین حامیان روحانی در حزب اعتدال و توسعه و علی لاریجانی وجود دارد و این احتمال نیز هیچ‌گاه توسط لاریجانی رد نشد. چهره‌های اصلی این ائتلاف را احتمالاً علی مطهری، نایب‌رئیس لاریجانی در مجلس دهم و محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت روحانی تشکیل می‌دهند. چهره‌هایی که ورودشان به مرحله پیش‌ثبت‌نام تأیید شده است. چنانچه ائتلافی بین لاریجانی و روحانی شکل بگیرد و با رقه‌های امیدی برای پیروزی را نیز ایجاد کند، این احتمال وجود دارد که جناح‌های اصلاح‌طلب به رهبری محمد خاتمی نیز کنش موثرتری در انتخابات نشان داده و برای شرکت با روحانی و لاریجانی اعلام آمادگی کنند. امری که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و ۹۶ تجربه شده و تکرار آن در انتخابات مجلس دوازدهم نیز امر بعیدی نیست. از آنجایی که چهره‌های اصلی طیف چپ اصلاح‌طلبان در انتخابات ثبت‌نام نکرده‌اند، در صورت تحقق این سناریو آنها یا از چهره‌های تأیید صلاحیت شده احزابی همچون کارگزاران و اعتماد ملی حمایت خواهند کرد که رسماً برای حضور در انتخابات اعلام آمادگی کرده‌اند یا باید شاهد حمایت رهبران سیاسی اصلاح‌طلبان از چهره‌های نوظهور باشیم که در سکوت رسانه‌ای مرحله پیش‌ثبت‌نام را انجام داده‌اند و می‌توانند سهمیه اصلاحات را در ائتلاف با لاریجانی و روحانی نقد کنند. ارائه یک لیست ائتلافی با اصلاح‌طلبان گزینه‌ای است که اظهارات اخیر محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و از چهره‌های نزدیک به لاریجانی نیز احتمال تحقق آن را پررنگ‌تر می‌کند. باهنر اخیراً طی مصاحبه‌ای ضمن مطرح کردن انتقادات متعدد به دولت و مجلس، اشکال مجلس را نداشتن یک فراکسیون اقلیت قدرتمند عنوان کرده و داشتن یک اقلیت قدرتمند اصلاح‌طلب را برای مجلس و همچنین برای بالابردن مشارکت مفید توصیف می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه این پیش‌ثبت‌نام‌ها کار خوبی نبود و دیگر وقت نشد با تعداد زیادی از کسانی که تازه می‌خواستیم راضی‌شان کنیم در انتخابات حاضر شوند، گفت‌وگو کنیم.» کنار هم قرار دادن این نشانه‌ها این واقعیت را آشکار می‌کند که علی لاریجانی اگرچه برای انتخابات مجلس ثبت‌نام نکرده اما گزینه تأثیرگذاری در انتخابات و تشکیل ائتلاف سیاسی را نیز کنار گذاشته است. لاریجانی که هیچ‌گاه در چهارچوب ائتلافی در لیست کاندیداهای تهران شرکت نکرده و از حوزه انتخابیه قم وارد بهارستان شده است، نقطه‌قوتش بدنه حامی او در شهرستان‌ها محسوب می‌شوند و لاریجانی نیز با تکیه بر همین بدنه توانسته ۳ دوره بر کرسی ریاست مجلس تکیه بزند. احیای این ائتلاف سیاسی در حوزه‌های غیرتهرانی عملاً قدرتی برای تعیین تکلیف کرسی ریاست مجلس دوازدهم را به وجود می‌آورد که می‌تواند عامل انگیزشی خوبی برای هر کنشگر سیاسی



از جمله لاریجانی در انتخابات محسوب شود. مرور مواضع نمایندگان احزاب غیرراديكال اصلاح طلبان همچون کارگزاران و اعتماد ملی نشان می‌دهد آنها نیز برنامه‌ریزی خود برای ورود به انتخابات در شهرستان‌ها را به‌طور علنی‌تری به نسبت تهران پیگیری می‌کنند و این امر نشان از امیدواری آنها به حوزه‌های غیرتهرانی دارد. به این ترتیب یک پهانه دیگر نیز برای تشکیل ائتلاف آنها با لاریجانی و روحانی به وجود می‌آید.